

■ سال بیست‌وهشتم ■ شماره ۷۹۷۴ ■ سه شنبه ■ ۱۸ مرداد ۱۴۰۱

<p>تلفن: ۸۸۷۶۱۷۴۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۴۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵</p> <p>پاکت: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸</p> <p>مصدوق پستی: ۵۳۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۶۸۸۰۰</p> <p>چاپ: چاپخانه‌های <b>مهرشهری</b></p> <p>سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۱۹۰۰۱ از شرکت NISCERT</p> <p>تهران خیابان خرمشهر <b>شماره ۱۶</b> پدیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)</p> <p>انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۴۸۸۹۲-۵</p> <p><b>http://irannewsaper.ir</b></p>	
<p>صاحب امتیاز:</p> <p>خبرگزاری جمهوری اسلامی</p> <p>سردبیر: کمیل تقی‌پور</p>	
<p>اذان ظهر ۱۳/۱۰   اذان مغرب ۲۰/۲۰   نیمه شب شرعی ۰۰/۲۳   اذان صبح فردا ۴/۴۵   طلوع آفتاب فردا ۶/۱۹</p>	
<p><b>امام حسین علیه‌السلام:</b></p> <p><b>هرکس مرا پس از مرگم زیارت کند، در قیامت به دیدارش می‌روم و حتی اگر در دوزخ باشد اورا بیرون می‌آورم.</b></p>	
<p><b>منتخب‌اللطریحی ص ۷۰</b></p>	

<p><b>نگاره</b></p> <p>رضا بدرالسا</p>	<p><b>شعر</b></p> <p><b>عاشورایی</b></p>
<p><b>بهروز قزلباش</b></p> <p>شاعر</p>	<p><b>شعر</b></p> <p><b>عاشورایی</b></p>
<p>یک نفس صبح قیامت در نظر پرواز کن</p> <p>بگذر از مرز دوعالم آن قدر پرواز کن</p> <p>لختی از خون جگر بر خیز و بنشین در بغل</p> <p>یک بغل از لخته خون جگر پرواز کن</p> <p>سنگ اگر مضراب آتش زد به ساز آینه</p> <p>از دل مضراب آتش یک شر پرواز کن</p> <p>برده‌ای سر زیر پر بالی بپیشان و بیا</p> <p>بسلم ما را ببین سر زیر پر پرواز کن</p> <p>می‌رسد لشکر زمین گرداب خون از جان ماست</p> <p>نیزه‌ای بردار و تا خون و خطر پرواز کن</p> <p>اشک ما در کرپا می‌سوزد از خون حسین</p> <p>بال بگشا یک نظر در چشم تر پرواز کن</p>	<p>در آب فرات غرق آداب شدند</p> <p>در ظلمت روز شمع اصحاب شدند</p> <p>هنگام ظهور یار از مشرق عشق</p> <p>از طلعت او ستاره‌ها آب شدند</p> <p>آتسو همه درنده‌ها می‌خواند</p> <p>گاوان و خران، چرنده‌ها می‌خواند</p> <p>برده‌ای سر زیر پر بالی بپیشان و بیا</p> <p>با آن همه پرنده‌ها می‌خواند</p> <p>بر قلب ستم زد دل خود را آنگاه</p> <p>در دایره قسمت ما بود آن ماه</p> <p>بر نیزه که در کرب و بلا خورشید است</p> <p>لا حول ولا قوه الا بالله</p>



<p>این روزها، فضای مجازی و صفحات اهالی فرهنگ و هنر در شبکه‌های اجتماعی بیش از همه تحت تأثیر بازگویی بخش‌هایی از واقعه کربلا قرار دارد. اتفاقی که حتی انتشار خبرهایی درباره تازه‌های تولیدات فرهنگی و هنری را هم تحت تأثیر خود قرار داده و بیانگر عشق ما ایرانیان به امام حسین (ع) است.</p>	<p><b>هنرمندان در فضای مجازی</b></p>
<p><b>چهره‌ها</b></p>	<p><b>شهرداد روحانی،</b> آهنگساز و رهبر ارکستر بخش‌هایی از اجرای «نی‌نوا» در سال ۱۳۹۷ را با مخاطبان به اشتراک گذاشته است، این قطعه اثر حسین علیزاده با اجرای ارکستر سمفونیک تهران است که شهرداد روحانی رهبری ارکستر آن را به عهده داشته است.</p>
<p><b>مهران غفوریان</b> بازیگر سینما و تلویزیون تصویری در صفحه خود منتشر کرده که اسام سیدالشهدا بر آن نقش بسته و با چند کلمه مختصر از عشق خود به امام حسین(ع) نوشته است. یاحسین(ع)، عاشورای ۱۴۰۱ و حسین عشق من است این چند کلمه‌ای است که اشاره شد.</p>	<p><b>محمد حسین مهدویان</b> فیلم‌نامه‌نویس و کارگردان سینما هم تصویری با مضمون: «لا یومُ کیومک یا ابا عبدالله» منتشر کرده و در توضیح آن معنای حدیث مذکور را نوشته: «هیچ روزی روز چون روز حسین نیست.»</p>
<p><b>بهزاد عبدی</b> هنرمند آهنگساز هم بخشی از ویدیوی مرتبط با اجرای اپرای عاشورا در سال ۱۳۸۷ را با دنبال‌کنندگان صفحه خود به اشتراک گذاشته است. بخشی که عبدی برای انتشار در صفحه خود انتخاب کرده مرتبط با لحظه ورود حر به صحنه اجرای این اپرا است. اپرای عاشورا به نویسندگی، طراحی و کارگردانی بهروز غریب‌پور به روی صحنه رفته، البته آهنگسازی این کار را هم بهزاد عبدی به عهده داشته است در این اپرا محمد معتمدی در نقش حرین ریاحی و مهدی امامی هم در نقش حضرت عباس (ع) بازی کرده‌اند.</p>	<p><b>علی محمد مؤدب،</b> نویسنده و شاعر بخشی از شعری درباره واقعه کربلا را در صفحه‌اش منتشر کرده که در آن آمده: «ای آفتاب صبرکن این آخرین شب است/ این آخرین شبانه آرام زینب است/ این نازدانه‌ها که در آغوش مادرند / در دست باد، بعد تو گل های پرپرند/بعد از تو در محاصره شعله‌ها و خار/گل‌های پرپرند به میدان کارزار/دلبندهای قافله شلاق می‌خورند/ از شعله‌های حرم‌له شلاق می‌خورند/ این خیمه‌ها چو ابر پرانکند می‌شوند/ فردا پس از تو، شب نشده کنده می‌شود/فردا غروب در آن سوی قتلگاه/ در ابرهای دلهره، غلطان به خاک ماه/ ماه ایستاده دفعه آخر ببیندت/ جایی نماز کن که برادر ببیندت»</p>
<p><b>شعر</b></p> <p><b>عاشورایی</b></p>	<p><b>شعر</b></p> <p><b>عاشورایی</b></p>



### لزوم تعیین تکلیف برای نمایش چهره بزرگان دین در فیلم‌ها و سریال‌ها

**عبدالرضا اکبری:**نمایش چهره بزرگان دین در فیلم‌ها و سریال‌ها مسأله‌ای است که بالاخره مدیران باید درباره‌اش به یک نتیجه برسدن تا وقتی فیلم و سریالی تولید می‌شود و هزینه برایش صرف می‌شود، با مانع مواجه نشود و مجبور نشوند. صحنه‌ها را حذف کنند. در میان کارهای تاریخی یک‌سری از تولیدات خوب ساخته شدند و اجرای خوبی داشت و مسلماً توانستند تأثیر خوبی هم روی مخاطب بگذارند. ولی برخی از آثار تاریخی ضعف کارگردانی، بازیگری یا طراحی صحنه و لباس داشتند و اثر عکس و منفی بر مخاطب گذاشته‌اند. فیلم‌ها یا سریال‌هایی با موضوعات تاریخی - مذهبی ساخته شده‌اند و به همین دلیل به آنها اجازه پخش داده نشده یا با حذفاتی مواجه شده‌اند. چراکه برخی اشخاص با دیدگاه مذهبی و دینی، اجازه پخش به این کارها را نداده‌اند. نمایش چهره بزرگان دین در فیلم‌ها و سریال‌ها، مشکلی به لحاظ قداست زدایی ایجاد نمی‌کند بلکه برای مخاطب بسیار تأثیرگذار خواهد بود.

بخشی از صحبت‌های این بازیگر با ایسنا

## نغمه‌های حسینی

«روزی که در جام شفق مُل کرد خورشید/ برخشک چوب نیزه‌ها گل کرد خورشید»

تاریخ، بسان زمینی است که گاه گلستان بوده و گاه کویر و شوره زار و خارستان. اگر در گلستان آن بنگری، گل‌های خوشبویی را می‌بینی که چشم را خیره و شامهٔ را مست می‌کند. اما «**گل همین پنج روز و شش باشد**». گل‌های تاریخ، برهه‌ای از ایام آن را خوشبو و معطر می‌کنند. به‌طوری‌که برای معطرترین‌ها، شاید روزی و ایامی را یاد بودشان کرده‌اند. این گل‌ها، در این گلستان، تاریخ را معطر و سربلند کرده‌اند. گل‌هایی که فرهنگ بشری را معطر کرده‌اند. گل‌هایی که هنر بشر، اخلاق بشر، علم بشر، صنایع و حرف، مدنیت، ابتکارات و اختراعات و هر چیز دیگری را که بشر می‌تواند به آن ببالد و افتخار کند معطر کرده‌اند! دراین میان گلی هست که گلستان بدان می‌بالد! و این خلاف عادت است! گل به وجود گلستان سربلند و مفتخر است و این می‌بالد که در گلستان است نه در خارستان! گلستان، جایی که آرامکده گل‌ها است و جایی که گل پرور است و مهد گل‌هاست، برگ افتخار است برای هر گل! عبیرستانی که زیباترین و خوشبوترین موجودات در آن هستند؛ جایی که وجودش گواه افتخار و زرین برگ موجودیت هر گل است.اما این مَنفَخَر، که خود افتخار وجود هر گل است، چگونه به وجود گلی می‌بالد؟! گل قائم به گلستان است اما گلی هست که گلستان قائم به آن است. اگر آن گل نبود، گلستان شرف وجود نمی‌یافت، با بودن آن، گلستان وجود یافت. با وجود آن، گلستان موجودیت و تحقق یافت! چرا؟ آن گل کیست که «**این گلستان همیشه خوش باشد؟**؟! گلی که همه روزها و ایام تاریخ به نام اوست و همه روزها و ایام تاریخ به وجودش مفتخر و خوشبو و معطر است.

گلی که مَنفَخَر حق است و لبّ اسراری است که حضرت حق در آرام کردن فرشتگان، در نهی آفرینش انسان، بدان استناد می‌کند.

### یادداشت



محسن نفر آهنگساز، پژوهشگر، مدرس موسیقی و نوازنده تار و سه تار

آن ببالد و افتخار کند معطر کرده‌اند! دراین میان گلی هست که گلستان بدان می‌بالد! و این خلاف عادت است! گل به وجود گلستان سربلند و مفتخر است و این می‌بالد که در گلستان است نه در خارستان! گلستان، جایی که آرامکده گل‌ها است و جایی که گل پرور است و مهد گل‌هاست، برگ افتخار است برای هر گل! عبیرستانی که زیباترین و خوشبوترین موجودات در آن هستند؛ جایی که وجودش گواه افتخار و زرین برگ موجودیت هر گل است.اما این مَنفَخَر، که خود افتخار وجود هر گل است، چگونه به وجود گلی می‌بالد؟! گل قائم به گلستان است اما گلی هست که گلستان قائم به آن است. اگر آن گل نبود، گلستان شرف وجود نمی‌یافت، با بودن آن، گلستان وجود یافت. با وجود آن، گلستان موجودیت و تحقق یافت! چرا؟ آن گل کیست که «**این گلستان همیشه خوش باشد؟**؟! گلی که همه روزها و ایام تاریخ به نام اوست و همه روزها و ایام تاریخ به وجودش مفتخر و خوشبو و معطر است.

گلی که مَنفَخَر حق است و لبّ اسراری است که حضرت حق در آرام کردن فرشتگان، در نهی آفرینش انسان، بدان استناد می‌کند.

#### عرض ارادت موسیقایی

قطعه «کاروان» در ابتدای مجموعه «خروش بحر» مقدمه وار، کوتاه و حزن آلود با گروه همخوان هم آوایی مزینی را براساس فرهنگ عاشورایی با شعر سعدی و صدای گرم و نرم علیرضا افتخاری، سنگین و موقر آن طور که شنایسته و رسم غمگساری است، گوش مخاطب را نوازشگری می‌کند. قطعه دوم «آواز و نی» در آواز دشتی است. نی نوازی فردین لاهوریور در جواب آوازی خواننده با مطلع شعر: «گلی کم کرده‌ام، می‌جویم او را/ به هر گل می‌رسم می‌بویم او را» در متر آزاد به شکل آوازی نوآوری می‌کند سختی‌های سرزمین نینوا و آنچه را بر خاندان امام حسین (ع) گذشت، قطعه «سروخدا» در شور دشتی با شعر محتشم کاشانی: «خبراز رفتن آن سروروانم می‌دهد/ بی خود من، خبر از رفتن جانم می‌دهد» تصویری مناسبی را در سوگ تبیین می‌کند. آهنگساز و خواننده هر دو در مهارت و تعهد به نوع ارائه در موسیقی دستگاهی با گرایش مذهبی توانسته‌اند هم‌پیمانی منطقی‌ای را مبتنی بر تفکرات شخصیتی شاعر و عارف نامی چون محتشم کاشانی نغمه‌ها را اصیل‌تر از آنچه فکر می‌کنیم تغذیه شنیداری بدهند و این مجموعه را به عنوان یک شاخص منحصر به فرد در تولید هنردینی و نخبه‌گرا نمونه آفرینی و الگوسازی کنند. البته با دقت نظر در رهبرداری از موسیقی اقوام نواحی ایران، بختیازی و خراسانی و نغمه‌های تنبور کرمانشاهان ...

قطعه «خروش بحر» در دستگاه چهارگاه با شعر محتشم کاشانی و دف نوازی مهرداد کریم خاوری این بار حماسه وار و کوبشی مبتنی بر مفاهیم شعری تنظیمی متفاوت از ارائه داده که بیانگر بخش مهمی از رزم آوری‌های فکری نقد در تا سوغا و نبرد جسمی در عاشورای حسینی است. قطعه «فراق» در مایه افشاری با شعر مهجور اصفهانی نیز سراسر ماتم و غم‌افزایی با شکوه مقتبس از رفتار و آیین ایرانی به درستی در آواز افشار از مهمترین نغمه‌های موسیقی ایران چنین شده و بسیار شنیدنی و مؤثر به گوش و هوش جان رسوخ می‌کند. قطعه «وداع» که برای سومین مرتبه آهنگساز را اشعار محتشم کاشانی بهره برده ، دارای مقدمه‌ای آواگونه و سازی و حنجره‌ای در چهارگاه است که اشاره دارد به نچو‌های امام حسین و یارانش در پی استغنا و بی نیازی از این دنیا، «ساربانا پُرشتابان بار از این منزل میند/ سر خرابم من یک امروز دگر محل میند». شور و حال و غم‌افزایی پرطنین حنجره علیرضا افتخاری دراین تصنیف ستودنی است که گاه به گوشه بیداد اشاره دارد. قطعه بی‌کلام «بربال ملاتک» بر معیار ریتم استوار است و خوب به گوش می‌شنید با تنظیمی که دارد و تک تک سازها آنگونه نقش آفرینی می‌کنند که شنونده بی نیاز از کلام و شعر باشد و همینطور در قطعه «کیمیایارگان» در مایه شور و دشتی که آهنگساز خواسته بی کلام تصنیف کند و با ساز اختصاصی خود سه تار به همراه آواخوانی فضایی روحانی و محزونی را برای پایانی با شکوه از فلسفه فرهنگ عاشورایی و البته تأسف

بار برای یزیدیان و همفکرانش ... رقم بزند. فردین کریم خاوری در بخشی از نوشته‌ای در جلد آلبوم آورده: «آنچه در یوم محرم ۶۱ هجری قمری گذشت، حماسه‌ای بی نظیر از تاریخ بشر بود که سرشار از پیام‌های فرهنگی، اعتقادی، سیاسی و اجتماعی است. دراین اثر سعی داشتیم قسمتی هر چند کوچک از بُعد حماسی و معنوی آن را با زبان نغمه و نوایبان کنیم...» در مجموعه «خروش بحر» که کاری است خودجوش و متعهدانه و نه سفارش مدارانه، علیرضا افتخاری و فردین کریم خاوری و نوازندگان عرض ارادت خالصانه‌ای ادا کرده‌اند با موسیقی ردیف دستگاهی متناسب با فرهنگ

عاشورایی، مسعود آرامش مقدم (سننور)، شروین مهاجر(کمانچه و آلتو)، شهرام غلامی (عود)، پریچهرخواجه (قانون)، سهیل سان احمدی (تارباس)، کاووس صابویی، محمدبرزین(ستارباس) دیگر نوازندگان هنرمند شنایسته آلبوم «خروش بحر» هستند که آهنگساز به زیبایی توانسته قابلیت‌های صوتی هر ساز را در جای جای هر اثر شکوفا سازی کند و به مصداق «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» این مجموعه شنیداری را که مثل فرهنگ رشادت و ایثار متعلق به همه روزهاست در همه اوقات شنیدنی کند. گفتنی است امروزه بیش از هر زمان دیگری نیازمند به شنیدن موسیقی‌های جدی از گونه دستگاهی و ملی در ساحت‌های مختلف دینی و ملی هستیم.

**خروش بحر**

**آهنگساز:فردین کریم خاوری**

**خواننده:علیرضا افتخاری**

**ناشر:حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی ۱۳۸۶**

#### بایسته های تربیت صحیح دینی کودکان

سؤال مهمی که این روزها مطرح می‌شود، این است که «چگونه کودکان و نوجوانان را با الگوها و اسوه‌های دینی آشنا کنیم تا بتوانند با آنها ارتباط قلبی و معنوی پیدا کنند؟» یکی از راه‌های ارتباط برقرار کردن فرزندان ما با الگوها و اسوه‌های دینی، آن است که این شخصیت‌ها را از تاریخ بیرون نکشیم. تصویر تاریخی اسوه‌ها در ذهن فرزندان ما کمکی به آنها نمی‌کند. اینکه حضرت ابراهیم(ع) در فلان تاریخ چه کاری انجام داده است، برای بچه‌های دوره پست‌مدرن و دیجیتال شاید انس و الفتی را با فضای دین و قرآن فراهم نیاورد. در واقع زمانی این الگوها اثرگذار خواهند بود که بت‌شکنی حضرت ابراهیم(ع) با دنیای امروز منطبق شود. از این رو نخستین شرط برقرار کردن و انس قلبی کودک با این اسوه‌ها آن است که در تولید محتوا برای گروه سنی کودک و نوجوان، تاین اندازه خود را به بیان زندگی تاریخی ائمه و پیامبران محدود و محصور نکنیم و به جای آن به ویژگی‌ها و خصلت‌های این بزرگان بپردازیم و تولید محتوا کنیم. اینکه آنها چگونه در شرایط مختلف زندگی روزمره خود رفتار می‌کردند و با دیگران وارد تعامل می‌شدند و البته همه این مفاهیم را باید به زبان کودک مطرح کنیم، نه با تحلیل‌های عقلانی سنگین که کودکان را بیشتر گیج و سرگردان کند. تحلیل‌های تخصصی را بسیاری از علما ما در گذشته انجام داده‌اند. باید به زبان کودک و نوجوان بگویم تا مخاطب کودک ما از آن بهره بگیرد. همان‌گونه که مولانا نیز گفته است:

چون که با کودک سر و کارت فتاد/ پس زبان کودکی باید گشاد
همچنین روشن است که محتوای مذهبی و دینی که برای کودک و نوجوان تولید می‌شود، باید به طور مداوم مورد سنجش‌گری قرار گیرد که جذابیت و تازگی داشته باشد و ایجاد علاقه و انگیزه کند. کودکان و نوجوانان از آنجا که هنوز فطرت توحیدی، سالم و پاکی دارند، شکل‌پذیر هستند و به راحتی می‌توان آنها را با الگوهای دینی آشنا و مانوس کرد؛ اما اگر فرزندان ما در فضایی بی‌اعتنایی به دین قرار گیرند، گرفتار ضعف در دین‌باوری می‌شوند یا ممکن است به سبب جذابیت‌های فضای مجازی اقبال آنها به دین کمتر شود. نکته دیگر این است که در مواردی تصویری که از دین داریم، تصویر مخدوش و تحریف شده است یا دست‌کم چه‌جا گرفتار آفت تحریف شود یا درکی ناموزن از آن عرضه شود یعنی بخش‌هایی از دین بسیار برجسته شده و به بخش‌هایی از دین اصلا پرداخته شده باشد و این سبب شود تصویر کامل، جامع و مقبولی از دین عرضه نشود و سبب شود کودک و نوجوان ما هم مانند برخی از بزرگسالان چندان با دین نتواند ارتباط بگیرد.

از طرفی در همه دین‌ها و وبژه اسلام و تشیع، عقل حرف اول را می‌زند و جایگاه بسیار والایی دارد و یکی از منابع استنباط حکم شرعی است. از این رو ضروری است که معیار عقل، تأمل و تدبر را در کنار فعالیت‌های احساسی و عاطفی دین در تولید محتوا برای فرزندانمان گسترش دهیم و از تعصب و از نگاه خرافی خارج شویم؛ چراکه خرافات اساسا نسبتی با دین ندارد.

<p>در شب عاشورای حسینی، برج نگاره ویژه سوگبار حضرت اباعبدالله الحسین (ع) بر دیواره برج آزادی نقش بست.</p> <p>در این برج نگاره، آثار هنرهای تجسمی با موضوع سوگواره محرم از جمله «عصر عاشورا»، «ای استاد فرشچیان، «محاصره» از زنده‌ایاد حبیب الله صادقی، «عرش بر زمین افتاد» حسن روح الامین و طرح «مسیح عاشورا» اثر هنرمند جوان محمد علی نادری به همراه طرح‌های گرافیکی لقیقی به نمایش درآمد.</p> <p>برج نگاره شب عاشورا به همت بنیاد فرهنگی هنری رودکی اجرا شده است. / روابط عمومی و امور بین الملل بنیاد رودکی</p>	<p><b>عکس نوشت</b></p>
--	------------------------



در چنین شرایطی علی(ع) در راستای تکلیفی که در «غدير» برعهده‌اش نهاده شده بود، کمر به ترویج پیام «بعثت» بست و با استفاده از هر فرصتی، امت محمد(ص) را از فضل و معنویت خود برخوردار نمود. سمت و سوی تلاش آن حضرت(ع) حفظ هویت و شخصیت اسلامی امت و پرهیز دادن از کُزّی و گمراهی در پرتو علم و آگاهی بود. اما دسیسه‌های حاکمان که از چرب و شیرین دنیایی در نتیجه سرارزیر شدن غنایم حاصل از فتوحات برخوردار بودند، مانع از تحقق وسیع و مطلوب آن بود. حتی آن هنگام که مردم به وی روی آورده و با خواست و اصرار همان‌ها علی(ع) در جایگاه خلافت قرار گرفت، با تحمیل سه جنگ بزرگ داخلی، در طول ۳ سال، فرصت تبیین مکتب و هایش، آنگونه که بود، از او ربودند. تا آن‌که با توطئه‌ای حساب شده او را در محراب عبادت ترور و به شهادت رساندند. بعد از شهادت امیرالمؤمنین علی(ع)، در دوران خلافت چند ماهه امام حسن مجتبی(ع) دنباطلبان با توسل به انواع دسیسه و نیرنگ، اطراف آن حضرت(ع) را خالی و جنگ با سپاه نامغلوبه و منجر به تحمیل آتش بس شد. با وقوع این اتفاق آرزوهای بنی امیه که از ابتدا در پی آن بودند در دسترس‌شان قرار گرفت و کار به جایی رسید که «طلقة» و زنده‌شدگان از سوی رسول گرامی اسلام(ص) بر سرکار آمده‌وحاکمیت شام تقریباً تکمیل و تا حدود زیادی تثبیت شد. درنتیجه این واقعه هرچه تا آن زمان رشته شده بود از هم گسست و نظام طبقاتی جدیدی پدید آمد. فساد حکومتیان امری عادی شده و افراد بدسابقه‌ای همچون ولید بن عقبه، حکم بن عاص، عقبه بن ابی معیط و... بر مقدرات مردم تسلط یافتند. ارزش‌های دوران جاهلیت بازگشته، فضیلت و مصداق‌های آن از دستگاه خلافت طرد شدند و شد آنچه که نباید می‌شد. کوتاه زمانی پس از برقراری آتش بس با دسیسه حاکمان و به منظور زدودن خاطره خلافت امام حسن مجتبی(ع) از حافظه مردم، آن حضرت از طریق دشمن خانگی مسموم و به شهادت رسید. امام حسین(ع) که از نزدیک کویله مصایب ومشکلات دوران بعد از پیامبر اسلام(ص) بود، پس از برعهده گرفتن مسئولیت امامت و رهبری امت، دو راه پیش‌بریش رونداشت. یا باید بار دیگر با سپاه شام وارد جنگ می‌شد که نقض تعهد برادرش امام حسن(ع) با معاویه بوده ومخالفت با وی تلقی می‌شد که پیدا بود حاصلی دربر نداشته، بلکه فرصت‌هایی که جهت حفاظت از شیعیان وتبلیغ دین در پیمان نامه پیش‌بینی شده بود نیز از بین می‌رفت، یا با وجود آگاهی از اینکه خلافت معاویه، انحراف حکومتی را به نهایت رسانده و با بی‌رقی کردن اعتقادات اسلامی، عزم واراده مسلمانان در برابر انحرافات را سست و جامعه را دچار بی‌تحریکی ومردگی وجدان‌ناهموده،تأییش آمدن فرصتی مناسب – مرگ معاویه وملغی شدن عهدنامه – صبر می‌کرد. سیدالشهدا(ع) راه دوم را برگزید و در پاسخ جمعی از شیعیان کوفه که در خانه «جعه‌بن هبیره ابی وهب» از سران شیعیان کوفه گرد آمده‌وطی نامه‌ای ضمن نیش و کنایه به امام حسن(ع) از آن حضرت(ع) خواستند تا به کوفه رفته و به پشتوانه شمشیرهای آن علیه معاویه اعلام قیام نماید، چنین نوشت: «من از خدا مسألت دارم برادرم امام‌حسن (ع)– را که موفق داشته،تأیید ننماید، ولی من امروز چنین تصمیمی (قیام) ندارم. خداوند شما را مشمول رحمت خویش گرداند، هیچگونه تحرکی انجام ندهید و در خانه‌ها نمان باشید، تا معاویه زنده است، از تردید ویدگمانی پرهیز کنید و اگر خداوند او را از میان برداشت و من زنده بودم دیدگاهم را برایتان خواهم نوشت...» پاسخ‌امام حسین(ع) بر پیانیدی آن حضرت نسبت به قرارداد آتش‌بس میان امام حسن مجتبی(ع) و معاویه صراحت دارد و بیانگر اهمیت قول و قرار در تعالیم اسلام است. براین اساس امام حسین(ع) تا معاویه زنده بود پذیرای رهبری، حتی همراهی با هیچ شورش و قیامی نشد و با اعتنাম از فرصت به نشر و تعلیم اعتقادات اسلامی وتقویت بنیه دینی جامعه پرداخت و تا تربیت نسلی آگاه که بتواند وظیفه خود را در آن شرایط تشخیص داده وبدان عمل کند، به مسئولیت خویش جامه عمل پوشاند تا در زمانی مقتضی به نحوی تأثیرگذار حرکتی تاریخی را پی افکند.

